

عنوان : عوامل دلدزگی از ارزش های دینی

معصومه مشکانی^۱

چکیده

دین به عنوان یک حقیقت از آغاز پیدایش بشر وجود داشته و انسان ها به لحاظ فطری به آن گرایش داشته با تعالیم آن زندگی خود را در ابعاد مختلف تنظیم می کردند. هر فردی با مراجعه به زندگی انسان و مطالعه رفتارهای اجتماعی آنها این مسئله را به صورت ملموس در خواهد یافت که در سالهای اخیر و بخصوص پس از پایان هشت سال دفاع مقدس گرایش به فرهنگ بیگانه و فرهنگ غربی در بین انسان ها رشد صعودی یافته است و گروه هایی از انسان ها به علل گوناگون از دین و فرهنگ حالت گریز پیدا کرده اند. حال با توجه به میل درونی و فطری انسان به دین این سوال مطرح می شود که چرا عده ای از دین اعراض کرده و یا نسبت به تعهدات دینی سستی می کنند. عواملی به صورت پیدا و پنهان دین داری را تهدید می کند که یکی از آنها دین گریزی است، در اصل وجود دین گریزی باید گفت که اگر این واژه به معنای ترک کردن و رها کردن دین باشد، هیچ کس نمی تواند بطور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین داری یک امر فطری است و از انسان جا شدنی نیست. نتایج بررسی نشان داده است با بروز این عوامل که مانع روی آوردن انسان به دین و امور معنوی می گردد و آدمی را از متدین شدن به دین الهی باز می دارد و باعث گریز از دین می شود، بنابراین ضروری است تا این عوامل شناسایی گردد تا از شیوع آن جلوگیری شود. برای مبارزه با دین گریزی، باید پس از بررسی همه جانبه علل و عوامل آن، راهکارهای مناسب را برگزیند و از آنجا که هر کدام از عوامل با عامل دیگر فرق دارد لذا راهکار خود را می طلبد بنابراین سعی شده حتی المقدور بری همه عوامل راهکار ارائه گردد. این تحقیق به روش کتابخانه ای انجام شده است.

کلید واژه ها: دین، گریز، دین گریزی، عوامل، راهکار

مقدمه

یکی از نیاز های فطری و طبیعی انسان مذهب گرایی است که با این سرشت متولد می شود و تا آخر عمر با آن زندگی می کند اگر گرایشات مذهبی در مسیر فطرت هدایت شود می تواند بهترین پناه، عامل رشد و صیانت انسان در برابر نا امیدی ها، کژئی ها و آلودگی ها باشد این نیاز اگر به درستی هدایت شود آنچنان صلابتی به انسان می دهد که بتواند در برابر هر نوع انحراف و تهاجمی بایستد اگر اصحاب کهف در برابر دقیانوس از خود مقاومت نشان داده و هجرت را بر سازش و ذوب شدن در جامعه فاسد مقدم داشتند اگر مومنان در برابر شکنجه های آتشین اصحاب اخدود مقاومت کردند و سوختند و نساختند اگر حضرت یوسف (ع) در برابر طوفان هوس همسر عزیز مصر آنچنان مقاومت می کند و اگر پیامبران و امامان (ع) و یارانشان مظهر استقامت و پایداری و ایثار و فداکاری بودند و اگر انسان مومن و معتقد امت

^۱ معصومه مشکانی، سطح دو، حوزه الصدیقه فاطمه، ۴۹۱۹۶۹۵۴۹۵، ۰۹۳۰۳۶۶۳۹۸۲.

اسلامی ایران توانستند در برابر قدرت های شیطانی بایستند و بالاترین افتخارات را نصیب کشور سازند همه و همه به سبب ایمان و اعتقاد راسخ آنها بود. آنچه آینده این نسل را در معرض خطر قرار می دهد کم توجهی به مسائل دینی و فاصله گرفتن از محتوای غنی و پر بار مذهب است بدین جهت پیشوایان دینی عنایت ویژه این به آموزش دینی داشتند. این مقاله جهت پرداختن در راستای یکی از فرمایشات مقام معظم رهبری (ره) در خصوص گام دوم که عوامل دلزدگی از ارزش های دینی بوده است که به حقیقت دین و انتظار دین از بشر و انتظار بشر از دین و عوامل دلزدگی از ارزش های دینی و تبعات آن اشاره کرده است.

حقیقت دین

دین حق ، مجموعه کاملی از معارف نظری و سلسله ای از قوانین الهی است که به منظور اداره زندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی ، ساسی انسان از جانب خداوند متعال تشریع شده و به نام اسلام توسط پیامبر اکرم (ص) به جان و جامعه بشریت ابلاغ گشته است تا صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال و سعادت اخروی و حیات دائمی انسان باشد ، تامین نماید .

می تواند گفت حقیقت دین الهی یک انقلاب فکری است که روح و جان آدمی را از شرک و کفر و تردید نجات می دهد و به ایمان به پروردگار هستی و وحی و نبوت انبیاء و اعتقاد به جهان آخرت و نیز ارتباط این جهان مادی به ماوراء طبیعت هدایت میکند؛ همانگونه جامعه و افراد آن را از گمراهی و تبهکاری نجات داده و او را به سعادت حقیقی و غایت خلقت رهنمون گشته و او را به جوار قرب الهی می رساند.

نوع انسان بر حسب فطرتی که خداوند در نهادش قرار داده ، خواستار سعادت و کمال واقعی است و این خواسته زمانی تامین می شود که زندگی جسم و جان در دنیا و آخرت تامین گردد و عالی ترین هدف دین اسلام و قوانین حکیمانه اش تامین همین خواسته است. زیرا اسلام، دینی است که بر محور توحید و فضایل اخلاقی با توجه به ابعاد وجودی مختلفی که انسان دارد برنامه ریزی شده است و آن ابعاد مادی ، معنوی ، اجتماعی ، سیاسی و اخلاقی است و خداوند متعال در قوانین و مقررات این دین حنیف به همه آنها توجه کامل کرده و هر گونه دستوری که برای تامین سعادت و کمال انسان لازم باشد، تشریع فرموده است. لذا دین در متن اصلی زندگی انسان جا دارنده در حاشیه و از این رو که همه آنها برای اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان تشریع شده است و آن هم با یک نگاه سطحی به دستورهای اسلام ، دست یافتنی است نیازی به دلیل ندارد و فراگیری و گستردگی احکام و قوانین به منظور پاسخ به نیاز های مادی و معنوی انسان است و دین از وجود او جدا نیست و از راه فطرت درک می کند که دین برای او یک ضرورت است ، زیرا اعتقاد به خدا و دین ، با فطرت او هماهنگ است. (مجموعه آثار امام خمینی ، ۱۳۸۷ ، ج ۲۲ : ۲۱)

منیبین الیه واتقوه و اقیموا الصلاه و لا تکنوا من المشرکین در حالی که با توجه و اخلاص بازگشت کنندگان به سوی او هستید پایبند به فطرت الهی باشید! و از او اطاعت کرده ، از محرّماتش پرهیزید ، و نماز را با شرایط لازم بخوانید، و از مشرکان نباشید. (روم: ۳۱)

اگر اسلام صرفاً در بعد خاصی از ابعاد انسان دارای برنامه و قانون بود ، قطعاً نمی توانست تامین کننده کمال و سعادت او باشد. اگر جلوی تاثیر دین در کارهای روزمره و روابط بشری را بگیریم ، ایمان ضعیف می شود و ضعف آن موجب می شود که دین نیروی تحرک بخش و اثر گذار خود را از دست بدهد و در پی آن نقشش را نیز در زندگی کنار بگذارد . اگر دین نقش خود را از دست بدهد ، دیگر نه با توسعه دادن مسجدها و کلیسا ها و نه با بزرگداشت مظاهر دین و نه با محترم داشتن بزرگان دین نمی توان جای آن را پر کرد ؛ چرا که دین هیچ کدام از اینها نیست. (صدر ، ۱۳۸۷: ۱۳)

نیاز به دین

دین را اگر منظومه ای از اصول ، اخلاق ، شرایع ، احکام و مناسک بدانیم و جوهر و اصل آن را ثابت بینگاریم که از ازل تا ابد ثابت است ، باید در ماهیت دین ، ویژگی تحول پذیری نسبت به نیازها و مقتضیات زمان و مکان را بپذیریم . از این رو اسلام همواره توانسته است و می تواند در هر عصر و مکانی پاسخگوی نیازها و سوال ها و ابهام ها و سرگستگی های بشر باشد. (صدر ، ۱۳۸۷: ۱۰)

یکی از نیازهای فطری انسان نیاز به دین و پرستش و آرمانگرایی است و این نیاز را نمی توان برای همیشه نادیده گرفت ؛ به خصوص از آن بابت که انسان نیازمند به تکیه گاهی نیرومند و قوی است. تکیه گاهی که در همه حوادث بتواند به آن پناه ببرد و کمک بخواهد و به اتکای آن آرام و مطمئن باشد. این نیاز در سایه ارتباط با وحی تامین می شود ؛ دین و مذهب این فایده را دارد که زمینه را برای رشد و تکامل فرد با وابستگی به قدرت بی نهایت فراهم می آورد و بر اثر آن آدمی خود را در حوادث زندگی نمی بازد و شخصیت معنویت خود را از دست نمی دهد و در برابر لذایذ جنبه شرعی و مصلحت را در نظر می گیرد . ادگار هور رئیس اداره تحقیقات سابق آمریکا می گوید : جنایت در میان جوانان آمریکایی که در روز یکشنبه به کلیسا می روند بسیار ناچیز است.

طبق آمار ۱۹۳۹ در اروپا از ۴۰۰۰ کودک خرد سال که ۱۷ سال کمتر داشتند و مرتکب جنایت شده اند و فقط ۱۷ نفر از آنها روزهای یکشنبه به کلیسا می رفتند و از این عده ۹ نفر نیز تبرئه شده اند.

دکتر لینک روانشناس می گوید : دریافتیم که مردم بی دین خود خواه تر ، خود بین تر ، متلون تر ، غمگین تر و ناکام یاب تر از آنها هستند از ایمان مذهبی دارند.

برتر اند راسل از کسانی است که مذهب را از لحاظ اینکه حافظ رسوم کهنه است مضر می داند. بدیهی است که با مسیحیت روبرو بوده است و این قضاوت درست درباره آن مذهب صادق است نه هر مذهبی ولو دین اسلام که همواره

جوان و زنده و پیشرو و مترقی است اما وقتی از او سوال می کنند که چرا مردم کشور سوئد که از هر لحاظ مطابق ایده شما رفتار می کنند از خوشبختی محرومند و بیش از مردم سایر کشور ها خود کشی می کنند پاسخ می دهد برای اینکه در آنجا نفوذ مذهب نیست . (بهشتی ، ۱۳۸۹ : ۵۵)

در حقیقت با این جمله اعتراف می کند که اعتقاد مذهبی ولو اگر مذهبی کهنه و فرسوده باشد جلوی انتحار را می گیرد و می تواند انسان را در برابر حوادث و فراز و نشیب های زندگی مقاوم سازد .

وزارت آموزش و پرورش انگلیس اعلام کرد در آینده برای جلوگیری از فساد و بی بند و باری ، ارزش زیادی به مسائل مذهبی داده خواهد شد .

گروهی از نمایندگان کنگره آمریکا ضمن اعتراف به فساد اخلاقی در غرب خواستار توجه بیشتر به آموزش مذهبی کودکان و برگزاری مراسم دعا و نیایش در مدارس این کشور شده اند . (اکبری ، ۱۳۹۱ : ۱۶)

پیشینه دین گریزی با توجه به آیات قرآن

دین گریزی به بلندای عمر دین پیشینه دارد . از زمان پیدایش نخستین دین ، برخی دین را بر نتافتند و گروهی سر بر آستان آن نهادند ، اما پس از چندی از آن گریختند . این گریز و عوامل آن در گذشته تاریخ بسیار محدود و انگشت شمار بود ، هم دین گریزان در اقلیت بودند و هم عوامل دین گریزی در شمار قرار نمی گرفت . نگاهی به تاریخ پر از فراز و نشیب به دین نشان می دهد دین باوری به تقلیل می رود و دین گریزی رشد می کند ، تا آنجا که در چند سده اخیر دین گریزی سرعت چشمگیری یافته اروپای مسیحی غیر مسیحی می نماید ، دین بر شئون زندگی اروپاییان حاکم نیست ، دین تافته ای جدا بافته از دیگر نهادهای اجتماعی لحاظ نمی شود ، و بسیاری از دولت اروپایی تاب تحمل وجود واژه دین را در قانون اساسی اروپای متحد ندارند و خواهان حذف این واژه هستند .

دین گریزی در آیات قرآن نیز پیشینه ای بلند و واقعیتهای انکار ناپذیر دارد . برای نمونه شماری از یهودیان از دین موسی می گریزند و گوساله پرستی پیشه می کنند (طه : صص ۸۵ ، ۸۸) . برخی از اهل برنجی از اهل کتاب با علم به درستی آیات خدا کافر می شوند (آل عمران : ۷۰) . و چند نفر از مسلمانان از دین خویش می گریزند و به اهل مکه پناه می برند (آل عمران : ۸۶) (بهرامی ، ۱۳۸۳ : ۸)

انتظار بشر از دین

انتظار معقول انسان از دین این است که او را به کمال و سعادت نهایی در دنیا و آخرت رهنمون باشد . این انتظاری است بزرگ که تنها دین می تواند آن را اجابت کند و هیچ جایگزینی ندارد . در کنار این نیاز اساسی و فراگیر ، انتظارات جزئی تری وجود دارد . انسان می تواند از دین انتظار داشته باشد که :

۱. قابل اثبات و استدلال باشد: یعنی از ناحیه عقل و منطق پشتیبانی شود و اصول و آموزه های آن نزد عقل باطل و غیر قابل پذیرش نباشد.

۲. به زندگی معنا بخشد؛ انسان را از پوچی رها سازد و بیهوده انگاری زندگی را از او بزدايد.

۳. آرمان ساز، شوق انگیز و آرزو خیز باشد.

۴. قدرت تقدس بخشیدن به هدف های انسانی و اجتماعی را داشته باشد.

۵. تعهد آور و مسئولیت زا باشد.

انتظار نخست، (منطقی بودن اصول عقاید یک دین)، زمینه پذیرش، آن را فراهم ساخته، آن را برای اندیشه ها قابل قبول می کند و ابهام ها و تاریکی ها را بر طرف می سازد.

در توضیح انتظار دوم، باید گفت: زندگی دنیایی ما انسان ها همواره با درد و رنج و تحمل سختی ها همراه است؛ یعنی، ما گاهی خود را در وضع نامطلوب می یابیم.

بعضی از این درد و رنج ها با فکر و تدبیر و پیشرفت صنایع برطرف شده و یا قابل بر طرف شدن هستند. اما دسته ای دیگر چنین نیستند و آدمیان هرگز به نیروی خود توان رودر رویی با آنها را ندارد؛ از جمله:

الف) انسان جویای حقیقت است و از اینکه ممکن است در جهل و خطا باشد، رنج می برد.

ب) انسان خیر خواه است و می خواهد پاک و معصوم باشد و اینکه شاید گرفتار بد کرداری و نادرستی شده است، او را آزار می دهد.

ج) انسان میل به حیات ابدی دارد و مرگ به گمان نقطه پایان حیات، او را به هراس می اندازد.

د) انسان جوینده بی نهایت است و نقص ها و محدودیت ها موجب رنج او می شوند.

ه) انسان از اینکه می بیند، کمتر از دیگران بهره های جسمی، هوشی دارد و یا از امکانات کمتری برخوردار است رنج می برد.

تنها دین است که می تواند با معنا بخشیدن به زندگی انسان ها آنان را آرامش دهد و تحمل رنج ها را آسان کند. اگر انسان دانست برای جهان خالق حکیم، رحمان و رحیم است که هیچ بخلی نسبت به هیچ بنده ای ندارد، بندگان نزد او یکسانند و جز تقوا چیزی ملاک تقرب به او نیست و نیز عادل است و ذره ای ظلم و ستم به هیچ مخلوقی روا نمی دارد؛ به یکباره همه دردها و رنج ها از صفحه وجود او پاک و تبدیل به رضا میگردد و همچون رنج عاشق برای رسیدن به معشوق، شیرین و دلپذیر می شود. این همان دردی است که آگاهان و عارفان، آن را به درمان ندهند.

هر که را درد است برده است بو

پس بدان این اصل را ای اصل جو

(شاکرین، ۱۳۹۱: صص ۵۶، ۵۸)

نتیجه مطمئن تری با خود می آورد. بنابراین وقتی نشانه ها و قرائن بسیاری از درستی اصل تکامل حکایت دارد، به کمک این اصل می توان به تفسیر و توجیه آیاتی پرداخت که ناسازگار با تکامل می نماید. اگر برخی آیات به ظاهر حرکت زمین را بر نمی تابد و خورشید مرکزی را نتیجه می دهد، می توان با آیه و کلمه خدا (حرکت زمین) که محکم می نماید و یک یافته علمی است به توجیه آیات ناسازگار نشست. و اگر از آیه شریفه «الذی جعل لکم الأرض فراشاً» (بقره/۲۲) عده ای مسطح بودن زمین را نتیجه گرفته اند، می توان با آیه و کلمه خدا «کروی بودن زمین» به تفسیر دوباره آیات ناسازگار نشست و کروی بودن زمین را نتیجه گرفت. تقدم یک یافته بر فهمی خاص از دین هرچند ممکن است تزلزل شدیدی در خداشناسی ایجاد کند و تصور ما در مورد خداوند را مخدوش سازد، اما با بازسازی و بهینه سازی باورها می توان هم چنان دیندار ماند؛ چنان که در میان دینداران اختلافات شدیدی در مورد خدا و صفات اوست و این اختلافات آنها را از شمار دینداران بیرون نمی سازد. افزون بر این، چنان که عقل در مواردی لزوم پالایش اعتقادات را به وجود آورده و می آورد، علم نیز می تواند چنین نقشی داشته باشد و برخی باورها را نادرست نشان دهد و ما را ناگزیر از تجدید نظر در فهماندن نماید. اگر نظریه تکامل، نظم مورد نظر دینداران را زیر سؤال می برد، می توان هم چنان دینداری را ادامه داد و از روش های دیگری خدا را اثبات کرد.

دین گریزی برخاسته از خشونت

در درمان این دین گریزی نخست باید چهره خشن دین را از ذهن دین گریزان پاک کرد و دین را آیین مهر و محبت نشان داد. اگر شخص دین گریز، خشونت، فشار، تهدید و ارباب را خود سری والدین، متولیان تعلیم و تربیت و مسئولان ببیند؛ و نه خواست دین، گریز او از افراد و برخی جریانات خواهد بود، نه دین.

دین گریزی برخاسته از فقر

اگر رهنمودهای اقتصادی قرآن عملیاتی نشود، بیکاری گسترده شود و درصد بالایی از نیروی کار در شمار بیکاران قرار گیرند و در نتیجه راهکارهای فقرزدایی با انبوه مستمندان و نیازمندان نتیجه ندهد، در این صورت حکومت برای جلوگیری از دین گریزی و دیگر آسیب های اجتماعی ناگزیر از ایجاد اشتغال، پرداخت مستمری به بیکاران و بهینه سازی و نوسازی اقتصاد است؛ چنان که پیامبران در برابر مردم چنین احساسی داشتند و خواستار امنیت جانی و اقتصادی مردم بودند و در این مسیر سختی ها و مشکلات را با جان و دل می خریدند: «و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق اهلہ من الثمرات» بقره/۱۲۶ افزون بر این، حکومت در برابر مستمندان مسئول است و باید با پرداخت مستمری و دیگر پرداخت ها و یارانه ها از تأثیر فقر بر دین گریزی بکاهد.

دین گریزی برخاسته از محیط و دوستان

زیستن در محیط هایی که محصول مهم آن دین گریزی است به آسانی امکان پذیر نیست. این محیط ها ناخودآگاه افراد را تحت تأثیر شدید قرار می دهد و آنها را ناخواسته به سمت دین گریزی می برد. در چنین مواردی نخستین مرحله درمان، جداسازی دین گریزان از محیط است؛ چه اینکه زیست در این محیط ها درمان را ناموفق می سازد و همیشه دور و تسلسل درمانی به وجود می آورد، از درمان فرد به بهسازی محیط، و از بهسازی و درمان محیط به درمان فرد. وقتی فرد درمان شود زیست او در محیط آلوده رفتاری دوباره در دام دین گریزی می آورد و درمان محیط و بهسازی محیط با زیست دین گریزان در این محیط امکان پذیر نیست. مرحله جداسازی فرد از محیط در آیات قرآن نیز دیده می شود؛ مسلمانان از محیط ناسالم مکه هجرت می کنند و دین گریزان در آخرت به دلیل هجرت نکردن محاکمه می شوند و کیفر می بینند: «قالوا ألم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها» نساء/۹۷ حضرت نوح(ع) نیز برای رهایی فرزند خویش از دین گریزی در پی جداسازی او از دوستان ناباب و دین ستیز بود: «و نادى نوح ابنه و کان فی معزل یا بنی اركب معنا و لا تکن من الکافرين» هود/۴۲ مرحله دوم درمان، پاک

سازی محیط است؛ دراین مرحله نیز جداسازی دین گریزانی که آگاهانه به این وادی رفته اند از دین گریزانی که ناخودآگاه در این آسیب گرفتار آمده اند ضروری است. دسته نخست با راه حل هایی که در مرحله پیش گیری و درمان گفته شد درمان پذیرند؛ اما دین گریزان دسته دوم با جداسازی از محیط به دین باوری بر می گردند. (بهرامی، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۶)

منابع :

۱. اکبری ، محمود ، (۱۳۹۱)، مذهب گرایی و مذهب گریزی جوانان ، انتشارات زلال کوثر ، قم.
۲. بهشتی ، احمد ، (۱۳۸۹) ، نسل نو خواسته ، نشر معارف ، تهران.
۳. رهنمود های مقام رهبری ، (۱۳۹۱) ، فرهنگ و عرصه های فرهنگی ، موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت ، تهران.
۴. شاکرین ، حمیدرضا ، (۱۳۹۱)، دین شناسی ، دفتر نشر معارف ، تهران.
۵. شکوهی ، علی ، (۱۳۹۱) ، عوامل و ریشه های دین گریزی از منظر قرآن و حدیث ، موسسه نشر شهر ، تهران.
۶. صدر ، امام موسی ، (۱۳۸۷) ، دین در جهان امروز ، موسسه نشر شهر ، تهران .
۷. مطهری ، مرتضی ، (۱۳۸۶)، مجموعه آثار ، اپلیکیشن جامع استاد مطهری ، تهران.
۸. نصری ، عبد الله ، (۱۳۹۲) ، انتظار بشر از دین ،
۹. امینی ، جبار ،

